

مقاله پژوهشی: سرمایه اجتماعی و کارکرد آن به‌عنوان مبنای اساسی فرایند رشد، پیشرفت و توسعه (با تأکید بر ایران)

علی حسنونیدیان^۱، ایرج رنجبر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

چکیده

تحولات سیاسی و اجتماعی در عرصه‌های بین‌المللی، نگرش به توسعه در سطح دنیا را دستخوش تحول بنیادین کرده و مؤلفه‌های اصلی آن را از رشد اقتصادی صرف، به جنبه‌های دیگر توسعه مانند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سوق دادند. از این‌رو، مفهوم نوین «سرمایه اجتماعی» مورد توجه اندیشمندان مباحث توسعه واقع گردید؛ به‌گونه‌ای که در ساختار جدید این حوزه، تمامی نیروهای اجتماعی مدنظر قرار گرفته و اثبات گشت که سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد ارتباط و تشکیل شبکه‌های اجتماعی و در طی زمان، می‌تواند احساس اعتماد، انسجام و امنیت را در میان یک ملت پدید آورده و باعث افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف جامعه شد که می‌تواند در تسری بخشی به روند توسعه همه‌جانبه، سرمایه‌ای عظیم و پشتوانه‌ای مستحکم برای حاکمیت باشد. هدف از این پژوهش، تبیین و تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی و ارتباط مؤلفه‌های اساسی آن با پیشرفت و توسعه در ایران می‌باشد به‌ویژه این که یکی از دلایل مشکلات وضعیت اقتصادی در ایران، پایین بودن سطح کلی سرمایه اجتماعی است. بر اساس یافته‌های پژوهش یعنی ادراک صحیح از مقوله‌ی سرمایه اجتماعی و ارتقا سطح شاخص‌های کمی و کیفی آن، به‌خصوص اعتمادسازی در بین آحاد ملت و در راستای دستیابی به هنجارهای مشترک اجتماعی می‌توانیم امیدوار به موفقیت بیشتر در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای ایران باشیم. مقاله بر اساس تلفیقی از روش‌های توصیفی-تحلیلی، گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و همچنین آمارهای موجود صورت پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، همبستگی و اعتماد، مشارکت، رشد، پیشرفت و توسعه، ج.ا.ایران.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۱. مقدمه

«سرمایه اجتماعی» از جمله مفاهیمی است که مورد توجه جدی اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی واقع گردیده و پژوهش در این باب افزایش یافته است؛ تا جایی که ارتباط سرمایه اجتماعی با پدیده‌های گوناگونی همچون مردم‌سالاری، جامعه‌ی مدنی، آموزش، مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد و توسعه در ایران نیز مدنظر قرار گرفته و شرط اساسی برای پیشرفت و توسعه در جامعه ایران به میزان زیادی بستگی به همین عامل مهم دارد. سرمایه اجتماعی ضمن نظم‌دهی به مجموعه‌ی قواعد و قوانین اخلاقی در جامعه، به رفتار افراد شکل داده و کمک شایانی می‌نماید تا سایر سرمایه‌های انسانی و اقتصادی بتوانند باهم و در تعامل با یکدیگر، به رشد و پویایی اجتماعی یاری رسانند. اهمیت سرمایه اجتماعی به‌حدی است که می‌تواند روحیه‌ی همکاری و اعتمادپذیری میان نیروهای انسانی را گسترش داده و ضمن شکل‌دهی به رویکردهای عرفی و هنجاری سالم و همچنین با استفاده از همانندی‌ها و همسانی‌های افراد جامعه از جهات گوناگون، باعث ایجاد روحیه‌ی اطمینان و اعتماد متقابل در سطوح مختلف اجتماعی گردیده و بستری ایجاد نماید تا همکاری بین شهروندان را افزایش داده و آن‌ها را مقید سازد تا در گروه‌های مختلف اجتماعی و در کنار یکدیگر به تعامل، مفاهمه و تصمیم‌گیری بپردازند و این همان سرمایه‌ای است که آرامش اجتماعی را به ارمغان خواهد آورد.

در جامعه ایران و در حوزه‌ی اقتصادی می‌توان از مفاهیمی از قبیل اعتماد، امانتداری، نیکوکاری، صداقت، توجه به ارزش‌های مذهبی و...، به‌عنوان مصادیقی از سرمایه اجتماعی یاد نمود که اگر در اصول و مبادلات تجاری به‌صورت هنجار حاکم شوند، می‌توانند به شکوفایی و پیشرفت در امور اقتصادی منجر گردد.

در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز، سرمایه اجتماعی از نظر ایجاد و انتظام بخشی به شبکه‌های اجتماعی، قابل توجه و ملاحظه می‌باشد. در این دیدگاه، شبکه‌ها به‌عنوان ارتباطات غیررسمی و مبتنی بر اعتماد متقابل، از طریق مشارکت در انجمن‌های محلی، گروه‌ها و تشکل‌های منطقه‌ای، مسیرهایی را برای نوع‌گرایی و نوع‌دوستی ایجاد می‌نمایند که این به‌تبع، هنجارهای فردی و همکاری‌های متقابل را موجب می‌گردد؛ به‌طوری که هرچه اعتماد بین شهروندان بیشتر باشد، احتمال زیادتری وجود دارد که در امور کشور، مشارکت فعالانه‌تری در جهت حل معضلات نموده و به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم نقش مثبتی در فرآیند پیشرفت و توسعه‌ی ایران را پذیرفته و

زمینه‌ی اجرایی شدن برنامه‌ها و سیاست‌های کشور، به‌ویژه در قالب برنامه‌ی هفتم توسعه را در همه‌ی ابعاد فراهم سازند. لذا تبیین ارتباط دوسویه سرمایه اجتماعی با مقوله پیشرفت و توسعه با واقعیات کنونی ایران، می‌تواند یکی از عوامل راهگشا در این مسیر سخت و پر چالش باشد. با عنایت به این ضرورت و با توجه به نقش بسیار حیاتی سرمایه اجتماعی در توسعه همه‌جانبه‌ی ایران و بر اساس پژوهش‌ها و یافته‌های میدانی که به وضوح نشان از کاهش این سرمایه عظیم در جامعه ما دارد، در نظر است به بررسی آن پرداخته و اینکه شاخص‌های اصلی این مقوله یعنی اعتماد، مشارکت و...، چگونه و تا چه حد می‌تواند در پیشرفت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران اثرگذار باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه‌شناسی تحقیق

در زمینه سرمایه اجتماعی، پیشرفت، توسعه و مباحث اقتصادی مرتبط، تألیفات و پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است. در قسمت زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

«پاتریک فرانکوئیس» در کتاب «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی» (۱۴۰۰) ترجمه محسن رنایی، به بررسی دو موضوع کلیدی سرمایه اجتماعی و کارآفرینی پرداخته است. نویسنده در این کتاب، رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را از طریق «کارآفرینی» شرح داده است.

«انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی» در مجموعه مقالاتی تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران» (۱۳۸۷) به بررسی موضوعاتی مانند سرمایه اجتماعی، عملکرد اقتصادی و توسعه اقتصادی می‌پردازد. براساس نتایج این پژوهش، پیشرفت جامعه در گرو توسعه همه‌جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، فراگیر شدن مشارکت و اعتماد است.

«قاسمی» و همکاران مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی» (۱۳۸۹) در فصلنامه رفاه اجتماعی چاپ کرده‌اند. بررسی‌های نویسندگان در این پژوهش نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه، می‌تواند نقش مثبت و یا منفی ایفا نماید.

«قدسی» پژوهشی با عنوان «مهندسی فرهنگ و نقش سرمایه اجتماعی در اقتصاد نوین» (۱۳۹۰) در ماهنامه مهندسی فرهنگی منتشر کرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی، پدیده‌ای مدیریت‌پذیر است؛ به این معنا که می‌توان آن را بر اساس سیاست‌گذاری‌ها در حوزه‌های مشخصی در سازمان، بازسازی یا به فرایند شکل‌گیری آن کمک کرد.

«صمدی» در مقاله‌ای تحت عنوان «سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی» (۱۳۹۱)،

که در مطالعات اقتصادی کاربردی چاپ کرده، بیان می‌دارد بین این مفاهیم ارتباط وجود دارد و سرمایه انسانی، علت تشکیل سرمایه اجتماعی است.

«خادم علیزاده» مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی، نقطه تلاقی اقتصاد و فرهنگ» (۱۳۹۵) در فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی چاپ کرده است. نویسنده در این پژوهش به رابطه‌ی فرهنگ و اقتصاد و نقش فرهنگ در تحقق مؤلفه‌هایی مانند اعتماد، مشارکت و همیاری اشاره دارد.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، تاکنون پژوهش جامع (اعم از خارجی و یا داخلی) در خصوص سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با حوزه‌های مختلف توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به‌طور کامل انجام نشده است؛ بنابراین در این پژوهش این موضوع مورد نظر واقع شده است.

۲-۲. مفهوم‌شناسی متغیرها

۲-۲-۱. رشد، پیشرفت و توسعه

«رشد» در اقتصاد، به مفهوم افزایش کمی درآمد سرانه و فرایند رشد اقتصادی بین ۵ تا ۷ درصد است که افزایش سریع و مداوم تولید را نشان می‌دهد. می‌توان گفت رشد، یک پدیده صرفاً اقتصادی و تکنولوژیکی و دارای مفهوم کمی است.

«پیشرفت»^۲ از منظر اهداف و شاخص‌های آن، مدنظر گرفته می‌شود و در مرحله بالاتری از رشد قرار دارد. پیشرفت به این مفهوم است که وضع موجود را با کیفیت مادی یا فناوری بهتری در جهت رسیدن به جامعه‌ی مطلوب، تکثیر و یا ارتقا دهیم.

«توسعه»^۳ امری پیچیده‌تر و چندبعدی است و به سادگی نمی‌توان آن را با چند شاخص کمی نظیر درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، افزایش پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری، اندازه‌گیری کرد (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۱۸). در تعریف توسعه می‌توان گفت، فرایندی است تدریجی و درازمدت که طی آن، باورهای فرهنگی و نیز نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به شکل اساسی دچار تغییر می‌شود و با پتانسیل‌های نو درمی‌آمیزد؛ و به دنبال آن، رفاه اجتماعی گسترش خواهد یافت (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۳: ۲۴). به بیان دیگر، توسعه به معنای تغییر در خلق و خوی فردی و الگوهای رفتار اجتماعی و حتی ماهیت پدیده‌هاست؛ لذا در جامعه‌ی توسعه‌یافته، حساسیت‌ها و توجهات بیشتر

۱) Growth
۲) Progress
۳) Development

بوده و نسبت به هر رفتاری واکنش نشان داده می‌شود. به همین دلیل در این‌گونه جوامع، جامعه زنده و پویاست و به نوعی، روح پیدا می‌کند. زمانی که توسعه شکل می‌گیرد، ابعاد کمی پیشرفت و رشد در روح، متجلی می‌گردد و کیفیت تحول، مدنظر قرار می‌گیرد. در مقابل، در جوامع توسعه‌نیافته ممکن است ابزارهای پیشرفت در دسترس باشد؛ اما رفتارها در جهت توسعه نباشد.

«آمارتیا سن»، توسعه را از منظر گسترش آزادی‌های راستین بشر بررسی می‌کند و با انتقاد از تعاریفی که توسعه را مترادف با رشد تولید ملی، افزایش درآمدهای شخصی، صنعتی شدن، پیشرفت‌های فناوری یا مدرنیزاسیون می‌دانند، بر توسعه به‌مثابه‌ی آزادی تأکید کرده و تسهیلات آموزشی و بهداشتی، حقوق سیاسی، مدنی و مشارکت در گفتگوها و آرای عمومی را به‌عنوان اجزای مهم آزادی برمی‌شمارد. از نظر او، برای نیل به توسعه، قبل از هر چیزی، بایستی موانع آزادی‌ها در یک جامعه را از میان برداشت. از دیدگاه سن، نقش آزادی در توسعه از دو جنبه قابل تأمل و دارای اهمیت است:

(الف) آزادی به‌مثابه‌ی معیار و هدف ممتاز توسعه؛

(ب) آزادی به‌مثابه‌ی موتور و ابزار توسعه.

موانع آزادی نیز عبارت‌اند از: فقر، استبداد، فرصت‌های اقتصادی محدود، محرومیت‌های نظام‌دار اجتماعی، به فراموشی سپردن خدمات عمومی، عدم تساهل و فعالیت‌های بازدارنده‌ی دولت‌های دخالتگر (سن، ۱۳۸۳: ۱۴۸ و ۱۱۴).

۲-۲-۲. توسعه پایدار

«توسعه پایدار»، به معنای تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به مخاطره انداختن امکانات نسل‌های آینده است؛ این امر که از برداشتی منسجم از محیط‌زیست و توسعه، نمود پیدا می‌کند. توسعه پایدار را می‌توان به بازساخت بلندمدت سیستمی برای احیاء و ساخت مجدد آن سیستم تعبیر کرد که هم‌زمان با توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، تأمین منافع بی‌بضاعت‌ترین افراد جامعه، توأم باشد.

توسعه پایدار، در کنار موازین و مباحث اقتصادی، به حوزه سیاسی و ایجاد نهادها و سازمان‌هایی برای گفتگو، مشارکت، حل اختلافات و ظرفیت‌سازی و تقویت سرمایه اجتماعی نیز توجه دارد (درستی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵).

| جدول شماره ۱. نظریات و مفاهیم توسعه از دیدگاه‌های مختلف (محقق ساخته) | |
|---|------------------------------------|
| مفهوم | تئوری پرداز |
| توسعه را در معنای «رشد اقتصادی» و برحسب افزایش تولید کالاهای مادی و صنعتی و بالا رفتن درآمد سرانه، تعریف کرده‌اند (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۱۸). | آرتور لوتیس روستو پل بارون |
| بر ابعاد «فرهنگی» توسعه، تأکید دارد. توسعه را دستاورد انسان می‌داند که در محتوا مختصات فرهنگی دارد. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پر ثمری است که توسط فرهنگ تعریف می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت توسعه، دستیابی فزاینده به ارزش‌های فرهنگی است (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۱۸). | میسرا |
| توسعه را جریانی چندبعدی می‌دانند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام «اقتصادی- اجتماعی» را به همراه دارد. همچنین آن را برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر: کاهش فقر، بیماری، بیکاری، نابرابری، رشد علمی و فناوری درون‌زا، تعبیر می‌کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۴). | دادلی سیرز بروکفیلد برنشتاین |

۳-۲-۲. سرمایه اجتماعی

از دیدگاه نظریه پردازان، سرمایه اجتماعی مبنایی برای پیشرفت و توسعه به‌شمار می‌رود. آنان تعاریف گوناگونی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. برخی تعاریف در جدول (۲) آمده است.

| جدول شماره ۲. مفاهیم سرمایه اجتماعی از دیدگاه‌های گوناگون (محقق ساخته) | |
|---|----------------------|
| مفهوم | تئوری پرداز |
| از نظر بوردیو، ارتباط بین مردم و شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند به‌گونه‌ای که افراد، همدیگر را می‌شناسند و خود را مدیون یکدیگر می‌دانند (میشری، ۱۳۸۸: ۱۴۰). | بوردیو (Bourdieu) |
| سرمایه اجتماعی بر مبنای کارکرد آن تعریف می‌شود و ذات واحدی ندارد. مانند سایر اشکال سرمایه، مولد است و در ساختار روابط کنشگران و ارتباط بین آن‌ها حضور دارد. از نظر وی عواملی چون ایدئولوژی، اطلاعات و هنجارها موجب ایجاد سرمایه اجتماعی می‌گردند (کلمن، ۱۳۸۶: ۴۶۲). | کلمن (Coleman) |

| | |
|------------------------------------|---|
| <p>رابرت پاتنام (Putnam)</p> | <p>سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام، برگرفته از نظم، امنیت و اعتماد اجتماعی و انسجام بین‌بخشی، برای رسیدن به نقطه‌ی اشتراک است. در این معنا، سرمایه اجتماعی با اخلاق مدنی ارتباط می‌یابد (پاتنام، ۲۰۰: ۴۲)</p> |
| <p>ساباتینی (Sabatini)</p> | <p>از نظر ساباتینی سرمایه اجتماعی عبارت است از: شبکه‌های روابط اجتماعی و ارزش‌های مشترک مندرج در آن که ممکن است نقش دوگانه‌ای را ایفا کند؛ یعنی از یک‌سو، موجب پیوند میان گروه‌ها شده، هزینه‌ی مبادلات را کاهش و اطلاعات شفاف را در اختیار افراد قرار می‌دهد و از سواری مجانی جلوگیری می‌کند؛ از سوی دیگر، باعث تعقیب اهداف خاص و جزئی گروه می‌شود که برای توسعه مفید نیست (ساباتینی، ۲۰۰۸)</p> |
| <p>فوکویاما (Fukuyama)</p> | <p>سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ی معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی است. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به‌خودی‌خود موجب تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد؛ چراکه ممکن است این ارزش‌ها، منفی باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲).</p> |
| <p>بانک جهانی (World Bank)</p> | <p>سرمایه اجتماعی، صرفاً حاصل جمع نهادهایی که جامعه را بنیان نهاده‌اند، نیست؛ بلکه پیوندهای استواری است که آن‌ها را به هم مرتبط می‌سازد. سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی که به کمیت و کیفیت کنش‌های متقابل اجتماعی شکل می‌دهند، اشاره دارد. شواهد نشان می‌دهد که پیوستگی اجتماعی برای دستیابی به اهداف اقتصادی و توسعه‌ی پایدار، ضروری است (بانک جهانی، ۲۰۰۹).</p> |

۴-۲-۲. خانواده

خانواده به‌عنوان مبنای رکن اساسی اجتماع بشری همواره از جانب حاکمیت‌ها و دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته و از حمایت‌های قانونی نیز برخوردار است. جامعه سالم از درون خانواده‌ی سالم بیرون می‌آید؛ لذا ارتباط درست در درون یک خانواده و در چارچوب‌های خاص فرهنگی و اخلاقی، موجب سازندگی و پیشرفت جامعه می‌گردد (حسنوندیان، ۱۴۰۲: ۳). از دیدگاه نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی مانند بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما، یکی از مهم‌ترین منابع تولیدکننده سرمایه اجتماعی، خانواده است که به‌عنوان اصلی‌ترین عامل هنجارپذیری، با تمامی مسائل و مشکلات اجتماعی از جمله تولید و یا فرسایش سرمایه اجتماعی ارتباط دارد (فاسمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹۰). بنابراین استحکام خانواده، نوعی سرمایه اجتماعی در مسیر پیشرفت و توسعه به‌شمار می‌آید.

۳-۲. مبانی نظری

مبحث سرمایه اجتماعی در حوزه‌های علوم اجتماعی، اقتصادی و به تازگی در علوم سیاسی مطرح شده است. تمرکز بر این مقوله، به‌خصوص در عرصه اقتصاد، عمدتاً بر مبنای نقشی که این مفهوم در تولید و افزایش سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و محیطی ایفا می‌کند، صورت می‌گیرد (قدسی، ۱۳۹۰: ۳۱). «ساباتینی» و «بوردیو»، سرمایه اجتماعی را ارتباط بین مردم و شبکه‌های اجتماعی می‌دانند. «جیمز کلمن»، عواملی از جمله ایدئولوژی، اطلاعات و هنجارها را برای ایجاد سرمایه اجتماعی در نظر دارد. از دیدگاه «رابرت پاتنام» نیز سرمایه اجتماعی موجب انسجام‌بخشی در جامعه می‌شود. «فرانس توتکس» مقوله اعتماد را مهم‌ترین عامل در بحث سرمایه اجتماعی در نظر گرفته است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۷۸).

در عصر حاضر سرمایه اجتماعی، اساس و پایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه‌ی هر کشوری محسوب می‌شود؛ این مهم به‌خصوص در پیشرفت اقتصادی به شکلی ملموس هویدا می‌گردد. تئوری پردازان علوم اقتصادی نو، به وضوح به تأثیر رفتارهای صحیح و هنجارهای مثبت در مباحث اقتصادی معترف هستند و در زمینه وجود عقلانیت خودجوش جهت ایجاد انسجام و سرمایه اجتماعی هم‌عقیده می‌باشند. بر اساس این افکار، آن‌ها برای ارتقا تدابیر حکومت و در راستای پیشبرد امور، راهکارهایی ارائه می‌کنند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۶۳). بنابراین در موضوع پیشرفت و توسعه و تأثیر حاکمیت و اجتماع در آن، چند دیدگاه مدنظر قرار می‌گیرد:

(۱) دیدگاه اول توسعه را بر اساس فعلیت طبقات و گروه‌های مختلف جامعه که از پشتیبانی حکومت برخوردارند، مورد توجه قرار می‌دهد. در این نگرش بر لیاقت، شایستگی و توانمندی کلیه افراد کشور، نهادهای مدنی و سرمایه‌ای تأکید می‌گردد (عطاری، ۱۳۹۴: ۵۲۷).

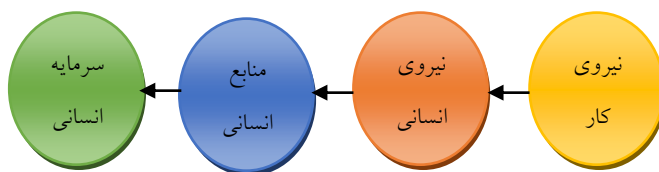
(۲) دیدگاه دوم از دخالت کامل حکومت در ابتدای شروع برنامه‌های توسعه‌ای، حکایت می‌کند. در این نوع از توسعه، سیستم دولتی با در نظر گرفتن برنامه‌های تدوینی و از پیش طراحی شده، موجب پیشرفت در جامعه می‌شود (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۵۲).

(۳) طبق دیدگاه سوم که در دهه‌های اخیر مطرح شده است جهت موفقیت در مراحل پیشرفت، هیچ‌کدام از حاکمیت و یا مردم بر دیگری اولویت ندارند؛ چرا که هماهنگی همه‌جانبه و اطمینان دوطرفه و نیز شراکت همگی طرف‌ها و به‌ویژه اهمیت دادن به «سرمایه اجتماعی»، موجبات پیشرفت متوازن را فراهم می‌سازد.

«فوکویاما» اعتقاد دارد سرمایه اجتماعی برگرفته از ارزش‌های جمعی، باعث بالا رفتن درجه‌ی «هماهنگی و اعتماد» در بین افراد یک کشور شده و مخارج را کمتر نموده و پتانسیل آنان را برای همکاری گروهی در جهت رسیدن به منافع مشترک، افزایش می‌دهد به شکلی که استعدادها و فنون مختلف، مجتمع گردیده و سرمایه اجتماعی عظیمی به وجود می‌آید. بنابراین اعتماد تعمیم‌یافته در جامعه، منفعت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را موجب شده، به همین دلیل کلیه مخارج و پرداخت‌ها در ارتباط با منعقد نمودن پیمان‌ها در اجتماع را کاهش می‌دهد (احقر و حقیقی، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

سازگار کردن عملکردها در جهت رفتارهای عرفی و غیررسمی، قسمت اعظمی از مباحث اقتصاد پایدار را در بر می‌گیرد. یافته‌های علمی مشخص می‌سازد که پیشرفت‌های گوناگون در بیشتر موارد در گرو تملک عقل و منطق بوده و این به‌خودی‌خود باعث کاهش هزینه تعاملات در بین نیروی کار و تصمیم‌گیری صحیح در میان آن‌ها و ارتقا سطح بهره‌وری می‌گردد. این امر ریشه در افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه دارد؛ چرا که اگر به‌جای اطمینان و اعتماد، در میان کارگر و کارفرما، سودجویی و منفعت‌طلبی حاکم باشد، شاهد هدررفت سرمایه و نیروی انسانی خواهیم بود و در سطح کلان، اقتصاد جامعه را با چالش اساسی روبه‌رو خواهد ساخت. از این‌رو، ارتباطات و تعاملات در بین افراد موجب اعتماد، هویت‌سازی، افزایش اتکای به خویش و خودباوری و در نهایت دستیابی به منفعت جمعی و مشترک در کشور خواهد گردید (لین، ۲۰۰۱: ۲۰).

بنابراین با تبیین روابط متقابل بین سرمایه اجتماعی و سایر متغیرهای کلان توسعه‌ای، می‌توان ادعان کرد که تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی شاید به شکل مستقیم نباشد اما در ابتدا موجب تولید «سرمایه انسانی» و «توسعه سیاسی» یعنی ایجاد نظام‌های سیاسی کارآمد و پاسخگو شده و سپس از طریق این دو، دستیابی به توسعه‌ی قابل قبول، میسر می‌گردد.



نمودار شماره ۱. تولید سرمایه انسانی (محقق ساخته)

۳. روش‌شناسی تحقیق

مفاهیم سرمایه اجتماعی، کارکردهای آن و تأثیرگذاری آن در ابعاد مختلف توسعه مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. جمع‌آوری داده‌های تحقیق با روش کتابخانه‌ای (استفاده از کتاب‌ها، مقالات و آمارهای موجود) انجام شده است.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

۴-۱-۱. شاخص‌های بنیادین سرمایه اجتماعی

۴-۱-۱-۱. اعتماد

«اعتماد»، از مفاهیم مهم در بُعد خارجی سرمایه اجتماعی است. اعتماد موجب باعث همیاری در میان افراد می‌گردد. ناتوانی مردم در برقراری روابط مبتنی بر همیاری، به دلیل فقدان ارتباط و اعتماد، زیان‌های جبران‌ناپذیری را برای جامعه در پی دارد (الهامی، ۱۳۹۹: ۹۲). گیدنز معتقد است، جهت دستیابی به اعتماد، بایستی افراد یک جامعه دارای حس مشترک در رابطه با عدالت و حفظ امنیت عمومی باشند. وی پیشرفت و توسعه را از دریچه اعتماد می‌بیند و اعتماد را در گرو کیفی‌سازی رفتار و پذیرش حقایق می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷). ابعاد گوناگون اعتماد را می‌توان در موارد ذیل احصاء نمود:

الف) پذیرش نیت دیگران به جهت عادلانه بودن و عدم سوءنیت؛

ب) اعتماد به کارایی و عملکرد افراد؛

پ) پذیرش افکار و ایده‌های دیگران.

بنابراین رسیدن به اعتماد گروهی، مستلزم ارتباطات دو یا چند سویه و روابط فکری و عملی است. روابط فکری، ارزش‌ها، نیت هم‌جهت و مثبت را دربرمی‌گیرد و روابط عملی، باعث ایجاد همکاری‌های رسمی و قانونمند می‌گردد و حمایت ساختاری و به‌ویژه سیاسی را از حاکمیت در پی خواهد داشت؛ به تبع آن، مسئولان سیاسی هم به گفتمان عمومی در سطح جامعه و اصلاحات در جهت توسعه راغب خواهند شد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۲۵). از این رو، ابتدا بایستی شاخصه‌های اعتمادساز، متناسب با الگوی جامعه‌شناختی و تاریخی خاص هر کشور (ایران) معین و در راستای آن، زمینه‌های نهادسازی سیاست‌ها و برنامه‌ها تدوین گردد.

۲-۱-۱-۴. اطلاع‌رسانی

شفافیت و اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع، جزء اساسی ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه‌ای به‌شمار می‌آید. آگاه‌سازی و بصیرت بخشی به افراد جامعه، موجبات رفتارهای اعتمادساز بین آن‌ها و شبکه‌های مختلف اجتماعی را باعث می‌گردد؛ همچنین کاهش فساد در عرصه‌های گوناگون جامعه را نیز به دنبال خواهد داشت.

۳-۱-۱-۴. مشارکت و همکاری (شبکه‌های اجتماعی)

شکل‌گیری تعهدات و انتظارات در درون شبکه‌های متنوع اجتماعی، یا به عبارتی مشارکت گروهی و شرکت در شبکه‌های اجتماعی هنجارمند، پیش‌زمینه‌ای برای اصل توسعه است. در واقع، مشارکت سیاسی مردم وقتی به وجود می‌آید که ارتباطات و کنش‌های گروهی، توأمان شکل گیرد چرا که، این کنش‌ها زمانی صورت می‌پذیرد که افراد دارای تعاملات ذهنی و هدف‌های یکسانی باشند و به تنهایی نتوانند به آن‌ها دست یابند. بنابراین، این مشارکت زمانی شکل کامل و واقعی به خود می‌گیرد که دولت و مسئولین یک سیستم حکومتی، شرایط و زمینه لازم را ایجاد کنند (فوکویاما، ۱۹۹۷: ۲۵). علاوه بر این، بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی هستند که با مشارکت و همکاری افراد در این شبکه‌ها تجلی می‌یابد.

۴-۱-۱-۴. آموزش

آموزش، به نوعی تولیدکننده سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی عبارت از: دانش، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها، تجارب و نهایتاً نظم و انضباطی که از طریق آموزش و تربیت به افراد منتقل می‌گردد. بنابراین، بیانگر اعداد و ارقام تحصیلی و آموزشی نیست، بلکه به کیفیت آموزش و علوم، فنون و اندیشه‌های یک جامعه بستگی دارد (ستاری‌فر، ۱۳۷۴: ۱۷۶).

سرمایه انسانی باعث بهبود وضعیت مالی کشورهای در حال توسعه می‌گردد (وثوقی‌نیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۴). بر اساس این نظریه، آموزش فرد بایستی به‌مثابه‌ی سرمایه‌گذاری تلقی شود که منافع اجتماعی بسیاری دارد. فرض بنیادین در این زمینه این است که انسان مهم‌ترین عامل در بین عوامل مؤثر بر فرایند تولید می‌باشد (معدن‌دارآرانی، ۱۳۸۸: ۶۴). بنابراین، آموزش با جامعه‌پذیری علمی همراه بوده و در یک شرایط گروهی و جمعی قادر است در هر سطحی، شبکه‌ها و پیوندهای تازه‌ای از نیروی انسانی را ایجاد نماید. این شبکه‌ها، ذخایر جدیدی از روابط بین همکلاسان، معلمان و اساتید دانشگاه را شکل می‌دهند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۷: ۲۹).

با تشکیل شبکه‌های علمی و پژوهشی در مدارس، دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی، زمینه‌ی مشارکت و همکاری افراد در موارد گوناگون فراهم می‌گردد؛ این امر به افزایش سرمایه اجتماعی در این بخش منجر می‌شود. از این رو، به منظور ایجاد سرمایه اجتماعی، به یک نظام آموزشی جامع که گسترش‌دهنده هنجارها، ارزش‌های مثبت اجتماعی و قانونمندی باشد، نیاز داریم. بنابراین تعلیم و تربیت، لازمه‌ی بقا و پیشرفت هر جامعه است.

۵-۱-۱-۴. فرهنگ (اصول، ارزش‌های ملی- مذهبی، اعتقادات، باورها، هنجارها و...)

ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند. باورها و فضائل اخلاقی مانند احترام، حفظ حرمت و کرامت دیگران، صداقت، وفای به عهد و... برخاسته از عرف و تمدن یک ملت است که در هر جامعه‌ای و به‌خصوص در ایران بر آن بسیار تأکید می‌گردد. لذا فرهنگ به‌عنوان بُعدی از سرمایه اجتماعی می‌تواند معضلات اجتماعی را کاهش دهد و زمینه‌ساز «تحکیم خانواده»، «وظیفه‌شناسی»، «مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی» و «ثبات و آرامش اجتماعی» باشد.



نمودار شماره ۲. شاخصه‌های سرمایه اجتماعی (لفظی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰)

۲-۱-۴. شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی و توسعه در ج.ا.ایران

الف) ایجاد اعتماد، دوستی و مشارکت در بین افراد، نهادها و گروه‌های اجتماعی؛
 ب) ارزیابی و سنجش ارزش‌ها، هنجارها و رعایت اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه؛
 پ) عضویت و پذیرش مسئولیت‌های اجرایی در نهادهای مدنی و حمایت فکری و مالی از آن‌ها؛
 ت) رعایت ارزش‌های مذهبی، معنوی و اخلاقی در اجتماع؛
 ث) پذیرش و مدارا بین اقوام در راستای انسجام، امنیت و همبستگی ملی؛
 ج) اعتماد به مسئولان و برخورداری از حمایت آن‌ها (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱۷).
 با توجه به مؤلفه‌های بالا و بررسی‌های انجام‌شده، میانگین سرمایه اجتماعی و توسعه در مراکز استان‌های کشور به صورت تقریبی (نه قطعی) به شرح جدول (۳) است.

| ردیف | مرکز استان | مرتبه سرمایه اجتماعی | مرتبه سطح توسعه | ردیف | مرکز استان | مرتبه سرمایه اجتماعی | مرتبه سطح توسعه | ردیف | مرکز استان | مرتبه سرمایه اجتماعی | مرتبه سطح توسعه |
|------|------------|----------------------|-----------------|------|------------|----------------------|-----------------|------|------------|----------------------|-----------------|
| ۱ | اراک | ۱۳ | ۴ | ۱۱ | تبریز | ۲۹ | ۷ | ۲۱ | شیراز | ۲۰ | ۱۲ |
| ۲ | اردبیل | ۳ | ۸ | ۱۲ | تهران | ۲۶ | ۱ | ۲۲ | قزوین | ۱۵ | ۶ |
| ۳ | ارومیه | ۹ | ۱۷ | ۱۳ | خرم‌آباد | ۲۴ | ۲۵ | ۲۳ | قم | ۲۲ | ۲۳ |
| ۴ | اصفهان | ۳۰ | ۲ | ۱۴ | رشت | ۲۱ | ۱۰ | ۲۴ | کرج | ۲۵ | ۱۳ |
| ۵ | اهواز | ۲ | ۵ | ۱۵ | زاهدان | ۱ | ۳۰ | ۲۵ | کرمان | ۱۹ | ۱۳ |
| ۶ | ایلام | ۴ | ۲۹ | ۱۶ | زنجان | ۷ | ۲۲ | ۲۶ | کرمانشاه | ۱۷ | ۲۴ |
| ۷ | بجنورد | ۱۴ | ۱۵ | ۱۷ | ساری | ۱۲ | ۹ | ۲۷ | گرگان | ۱۱ | ۱۱ |
| ۸ | بندرعباس | ۱۰ | ۱۹ | ۱۸ | سمنان | ۱۸ | ۲۱ | ۲۸ | مشهد | ۲۸ | ۱۴ |
| ۹ | بوشهر | ۲۳ | ۲۰ | ۱۹ | سنندج | ۲۵ | ۲۸ | ۲۹ | همدان | ۱۶ | ۱۸ |
| ۱۰ | بیرجند | ۸ | ۱۶ | ۲۰ | شهرکرد | ۶ | ۲۷ | ۳۰ | یاسوج | ۵ | ۲۶ |
| | | | | | | | | ۳۱ | یزد | ۱۹ | ۳ |

نکته: مرتبه‌ی ۱ بالاترین و مرتبه‌ی ۳۰ پایین‌ترین است.

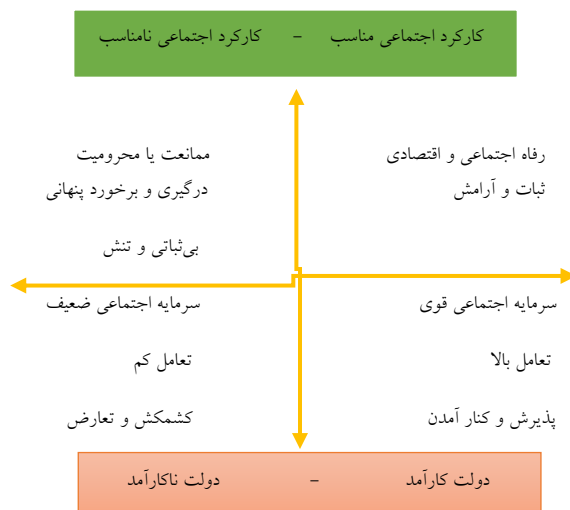
۳-۱-۴. سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی

۳-۱-۳-۱. دولت و سرمایه اجتماعی

دولت از طریق مواردی همچون اداری، مالی و سیاست‌گذاری باید به ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی اقدام نماید.

الف) نظام اداری سالم بر اساس مؤلفه‌هایی همچون شایسته‌سالاری، توسعه نیروی انسانی،

تمرکززدایی، تقسیم مسئولیت‌ها و بر پایه فناوری‌ای نو شکل می‌گیرد (عربی، ۱۳۹۶: ۲۹).
 ب) در نظام مالی و مالیاتی اگر دولت بر مشروعیت و کارآمدی، استوار باشد، تمایل مردم جهت پرداخت مالیات، بیشتر است (اعجاز و احمد، ۲۰۱۰: ۴۲۳).
 ج) دولت در بخش سیاست‌گذاری از طریق فرایندهایی مانند ظرفیت‌سازی، انطباق‌گرایی، عدالت‌محوری، شهروندمداری و مشارکت دادن افراد در امور گوناگون می‌تواند به توسعه‌ی سرمایه اجتماعی در جامعه بپردازد.
 بنابراین سیاست‌گذاری دولت در حوزه‌هایی مانند «تأمین اجتماعی و رفاه»، «خانواده»، «معیشت» و...، با همراهی «سیاست‌های عقلایی» به گسترش سرمایه اجتماعی فعال منجر می‌گردد. به تبع، حاکمیت نیز از دوگانگی و تنش‌های عیان و آشکار رها می‌شود و بر قدرت حاکمیتی و مقبولیت اجتماعی آن در جامعه افزوده خواهد شد.



نمودار شماره ۳. ارتباط میان قدرت، دولت کارآمد و سرمایه اجتماعی (والیس، ۲۰۰۴: ۲۴۴)

۲-۳-۱-۴. اعتماد اجتماعی و توسعه سیاسی

با افزایش میزان اعتماد اجتماعی در بین افراد، نگرش به توسعه سیاسی قوی‌تر شده و بر ابعاد سه‌گانه آن (مشروعیت، آزادی، مشارکت) اثرگذار است؛ لذا جهت رابطه، مثبت خواهد شد.

| جدول شماره ۴. آزمون رابطه بین اعتماد اجتماعی و توسعه سیاسی (ارسیا و ساعی، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۵) | | | |
|--|--------------|--------------|---------|
| متغیرها | تعداد پاسخگو | انحراف معیار | میانگین |
| توسعه سیاسی | ۷۲۴ | ۷/۵۱۷ | ۲۵/۰۴ |
| اعتماد اجتماعی | ۷۲۴ | ۲۳/۵۸۰ | ۷۵/۶۵ |

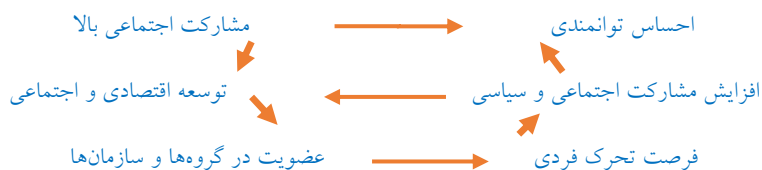
| جدول شماره ۵. رابطه اعتماد اجتماعی و ابعاد سه‌گانه توسعه سیاسی (ارسیا و ساعی، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۵) | | | |
|--|----------|---------|----------------------|
| اعتماد اجتماعی | | | متغیر مستقل |
| تعداد نمونه | معناداری | همبستگی | ابعاد متغیر وابسته |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۸۲۵ | رضایت از اوضاع سیاسی |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۸۱۵ | احساس آزادی سیاسی |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۸۶ | احساس تعلق به جامعه |

| توسعه سیاسی | | | متغیر وابسته |
|-------------|----------|---------|------------------------------|
| تعداد نمونه | معناداری | همبستگی | ابعاد متغیر |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۷۰۶ | کنترل فساد اداری |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۷۸۷ | اعتماد به رسانه |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۸۷ | عدالت در مجازات |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۲۸ | تسهیل تعاملات اجتماعی، سیاسی |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۶۷ | عدالت اقتصادی |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۵۳ | شفافیت اطلاعات |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۵۲ | شفافیت گفتاری |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۳۳ | شفافیت رفتاری |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۹۳ | فقدان خشونت ساختاری |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۷۹۶ | اعتماد به نهادهای حکومتی |
| ۷۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۶۵ | میزان انعطاف‌پذیری |

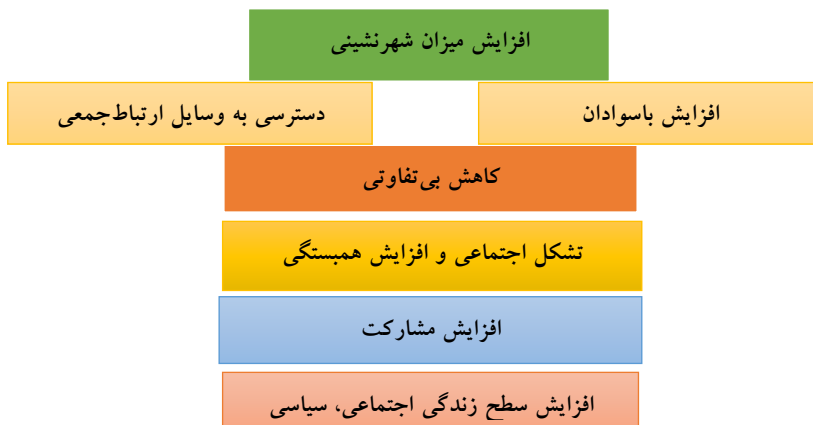
۳-۳-۱-۴. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به معنای فعالیت فردی یا جمعی اعضای سطوح مختلف نظام سیاسی و رده‌بندی تمایلات و گرایش‌ها به‌منظور اداره‌ی امور سیاسی جامعه است (راش، ۱۹۹۲: ۱۱۰). امروزه مشارکت سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌ی توسعه و پیشرفت ملت‌ها، به امری گریزناپذیر تبدیل شده است؛ این مسئله در کشورهای جهان سوم که گذار از «سنت» به «مدرنیته» را تجربه می‌کنند به شکل حساس‌تری خود را نشان می‌دهد.

دولت‌ها ناچار هستند جهت «کسب مشروعیت» به «مشارکت سیاسی» تن در دهند. از طرف دیگر، میزان بالای مشارکت مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه دلالت دارد (غفاری هشتجین و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۰۷).



نمودار شماره ۴. مدل هانتینگتون از مشارکت سیاسی- اجتماعی (خاکساری، ۱۳۸۰: ۴۶)



نمودار شماره ۵. افزایش مشارکت سیاسی (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۶۳)

مشارکت سیاسی در هر جامعه‌ای به لحاظ کمی و کیفی تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی، فرهنگی، باورهای مذهبی و پیشینه‌ی تاریخی آن جامعه، شکل خاصی به خود می‌گیرد (نیک و وربا، ۱۹۷۲). در این میان فایده‌مندی مشارکت، نقش اساسی را دارد؛ افراد پس از محاسبه‌ی سود و زیان مشارکت، در صورتی مبادرت به این کار می‌کنند که فایده‌ی آن را بیشتر از زیانش تشخیص دهند (لارنس و همکاران، ۱۹۹۶). «ساموئل هانتینگتون» و «دانیل لرنر» در باب مشارکت سیاسی و اجتماعی در فرایند پیشرفت و توسعه نظراتی ارائه کرده‌اند که در نمودارهای (۴) و (۵) مشهود است.

۴-۱-۳-۴. مشروعیت سیاسی

تأمین «رفاه اجتماعی» به «مشروعیت سیاسی» منجر می‌شود؛ این امر نتیجه‌ی تمایزگذاری بین روش‌های سنتی و مدرنیستی دولت رفاهی از سوی مردم است که عدم حمایت افکار عمومی از سیاست‌هایی که باعث کاهش سود می‌شود را به همراه دارد. در این زمینه «آلبانو» و «باربارا» در مقاله‌ای در زمینه سرمایه اجتماعی به بررسی تأثیر منفی مکانیسم‌های خرد جهت توضیح مشروعیت سیاسی پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد کمک به مردم در دولت‌های رفاهی ناکارآمد، پیامدهای منفی و مضر برای مشروعیت سیاسی آن‌ها در پی دارد؛ چرا که این امر حس حقارت در افراد ضعیف که محتاج به کمک هستند را تقویت می‌کند؛ این امر باعث بی‌اعتمادی آن‌ها به دولت و در نتیجه کاهش مشروعیت سیاسی آن‌ها می‌گردد. «مارتین لیپست» جامعه‌شناس آمریکایی معتقد است میان توسعه سیاسی، عوامل اجتماعی و اقتصادی رابطه‌ای قوی وجود دارد (سلمانی، ۱۳۹۴: ۴). بنابراین می‌توان عنوان نمود که «مشروعیت سیاسی» در هر حاکمیتی، می‌تواند روند «پیشرفت و توسعه» را تسری بخشد.

۴-۱-۳-۵. امنیت و سرمایه اجتماعی

«رابرت ماندن» معتقد است امنیت به لحاظ مفهومی، چهره‌ای متغیر دارد. از این رو، ارائه تعریفی کاملی از آن مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و ساختار جامعه است؛ البته به همین اندازه که قلب، ذهن و باور انسان نسبت به فقدان تهدید و تعرض علیه خود اطمینان حاصل کند، از امنیت برخوردار است اعم از اینکه، عامل تهدیدکننده بالقوه و یا بالفعل باشد (وائقی، ۱۳۸۱: ۱۴ و ۱۲). امنیت، بُعد عینی مسئله و احساس امنیت، به‌عنوان بُعد ذهنی

تلقى می‌شود (نیازی و فرشادفر، ۱۳۹۰: ۱۵۵). چهار نوع اساسی امنیت عبارت‌اند از:

(۱) امنیت یکایک شهروندان (امنیت فردی)،

(۲) امنیت ملت (امنیت اجتماعی)،

(۳) امنیت رژیم،

(۴) امنیت دولت (کرافت و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۶).

سرمایه اجتماعی از مسیر جامعه‌پذیری، کنترل، پیوستگی، هنجارهای اجتماعی و فراهم‌سازی فرصت‌ها، با نظم و امنیت اجتماعی پیوند دارد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵). در نظام حقوقی جدید، فرض بر این است که قانون با تعریف آزادی‌ها و حقوق فرد و کیفر کسانی که از آن حدود پا فراتر گذاشته‌اند، از امنیت فردی و اجتماعی پاسبانی می‌کند (آگاه، ۱۳۸۷: ۱۴۷). از عوامل اصلی ایجاد امنیت عبارت‌اند از:

(۱) ثبات سیاسی،

(۲) آرامش اجتماعی،

(۳) انسجام ملی.

همبستگی در طبقات مختلف اجتماعی، استعدادهای نهفته در ایجاد و حفظ عرق ملی و ارزشی را ارتقا بخشیده و عملکرد سیستم اجتماعی را به سمت انسجام و وحدت رهنمون می‌سازد. اتحاد ملی و مذهبی از دغدغه‌های اساسی و امنیتی در جامعه ایران است؛ به دلیل اینکه امنیت ملی پیش‌ساز پیشرفت و توسعه است که در چارچوب اهداف یگانه‌ای همانند اعتمادسازی شکل می‌گیرد. بنابراین می‌توان اذعان نمود که همبستگی ملی، برخاسته از اعتقادات و خواسته‌های مشترک در بین افراد یک مجموعه است (محرابی، ۱۳۸۷: ۱۲). بحث انسجام علاوه بر مسائل اجتماعی، به جنبه‌های روحی و روانی افراد هم مرتبط می‌شود به گونه‌ای که سطح آموزشی و مسئولیت‌پذیری اشخاص، آن‌ها را به سمت عواطف و تمایل به اندیشه‌ورزی سوق می‌دهد (جهانبین، ۱۳۸۳: ۱۰۶). در این میان، نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت، چه از نظر جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها و جرائم اجتماعی و چه از جهت زمینه‌سازی برای مشارکت فرد در زندگی اجتماعی، از طریق تأثیرگذاری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در چگونگی رفتار افراد، اعمال می‌شود (تقی‌لو، ۱۳۸۷: ۲۴۹). بنابراین، احساس وجود امنیت در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی، از بنیادی‌ترین راهکارهای دستیابی به توسعه سیاسی، تقویت و ثبات امنیت ملی و در نهایت پیشرفت و توسعه پایدار در جامعه رو به رشد ایران است.

۴-۱-۴. سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگی، اجتماعی

۴-۱-۴-۱. جامعه مدنی

«جامعه مدنی» بنیادها، بنگاه‌ها، سندیکاها، گروه‌ها، احزاب سیاسی و... را شامل می‌شود که به کنش‌های سیاسی - اجتماعی معطوف به عقلانیت می‌پردازند. علاوه بر این مجموعه‌ها، سازمان‌های مردم نهادی که به فعالیت در راستای رفع مسائل و معضلات عمومی، رفاهی، زیست‌محیطی و... در جامعه مشغول هستند و در پیگیری مباحث توسعه‌ای همراه با دولت و در جهت پیشبرد اهداف و برنامه‌های آن همسو و حمایتگر می‌باشند، جزء جامعه‌ی مدنی به‌شمار می‌آیند (نیکول، ۲۰۱۲: ۲۲)

جامعه مدنی، زندگی اجتماعی خودساخته، دارای استقلال و جدای از سیستم دولتی است که در چارچوب قواعد و مقررات، رفتار نموده و خواسته‌های جامعه را بیان می‌سازد. از نظر «پاتنام»، توفیق دولت‌ها در گروه مشارکت عمومی و مدنی است. به دلیل آنکه جامعه مدنی، نقش نظارتی بر حکومت را ایفا می‌کند و اشکالات آن را مشخص می‌نماید. بنابراین، گروه‌های تشکیل‌دهنده جامعه مدنی در قالب تشکل‌های اجتماعی و سیاسی، مستقل عمل می‌کنند و موجب همکاری در سطح جامعه می‌شوند و در نهایت به افزایش سرمایه اجتماعی منجر خواهند شد (دلفروز، ۱۳۸۰: ۳۰۹). در جامعه‌ی مدنی، تمایزات و اختلافات در کنار تشابهات و در راستای جامعه حرکت می‌کند (عطاری، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

«هانتینگتون» اعتقاد دارد کنش‌های اجتماعی در چارچوب مشارکت و تعامل بین جمعی، حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را ثبات می‌بخشد (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۲۰۰). بدین‌سان، اتحاد در بین تشکل‌ها شکل می‌گیرد؛ دولت نیز ناظر بر امور است و اهداف مورد نظر را پیگیری می‌کند؛ لذا با گسترش فعالیت قوی جامعه مدنی و تسری ارتباطات اجتماعی، شاهد شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بیشتری در پیشبرد اهداف توسعه‌ای خواهیم بود.

۴-۱-۴-۲. سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی

الف) سرمایه اجتماعی درون گروهی

این سرمایه از ارتباطات قدرتمند بر پایه‌ی پیوندهای خانوادگی، قومی، مذهبی و منطقه‌ای تشکیل یافته و اشکال ویژه‌ای از اعتماد را در بین افراد به وجود می‌آورد. گفته می‌شود: «ما به شما اطمینان

داریم؛ زیرا که تو عضوی از گروه ما هستی.»

ب) سرمایه اجتماعی برون گروهی

بر اساس ارتباطات ضعیف در بین افراد جامعه شکل می‌گیرد. این اشخاص خصوصیات یکسان و مشابهی ندارند اما در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. به همین سبب روابط سستی دارند؛ این به معنای غیرسازنده‌ی آن نیست بلکه به نوعی، ایجادکننده‌ی سرمایه اجتماعی به حساب می‌آید (چو، ۲۰۰۲: ۲۱).

۳-۴-۱-۴. تعامل جامعه و افراد در شکل‌گیری متقابل سرمایه اجتماعی

همکاری و همیاری آحاد مختلف مردم، ضمن ارتقا کنش‌های دوطرفه در اجتماع، منفعت اقتصادی و مالی دوجانبه را نیز تعمیم می‌دهد. سرمایه اجتماعی در این معنا، ویژگی تبدیل شدن به دارایی‌های مالی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را دارد و مولد اعتماد، اطمینان است و در نهایت به تولید نیروی انسانی ماهر و متخصص بر مبنای ارتباط، تعاون و همیاری سیستماتیک در جهت توسعه کشور منجر می‌گردد (مایر، ۲۰۰۱: ۵۲).

اکثر پژوهشگران، سرمایه اجتماعی را پیش‌زمینه اعتماد ملی در وضعیت‌های گوناگون قومی و فرهنگی می‌دانند. بنابراین می‌توان اظهار داشت سرمایه اجتماعی به اشکال مختلف تجلی می‌یابد که در قسمت زیر به آن‌ها اشاره شده است.

❖ به شکل مسئولیت‌ها و وظایف متقابلی که به سطح و اندازه اعتماد موجود در جامعه بستگی دارد؛

❖ استعداد و توان آگاهی‌رسانی در جهت ایجاد نظامی ساختارمند بر پایه‌ی زبان مشترک؛

❖ ایجاد هنجارهای مثبت، مبتنی بر قابلیت اجرا (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۳۰۴-۲۹۳ با تلخیص).

از دیدگاه لوسین پای، معضلات اعتقادی و هویتی در جامعه می‌تواند به چندگونه ظاهر گردد: الف) در مواقعی که فاصله طبقاتی، به‌گونه‌ای فزونی یابد که به سدی بر سر راه اتحاد و همبستگی یک ملت تبدیل شود؛

ب) مشکل هویتی، زمانی بیشتر می‌گردد که قومیت‌های مختلف اعتقاد به یک هویت میهنی را از دست دهند؛

ج) تحولات توسعه‌ای نامتوازن در جامعه و دریافت‌های دوگانه از این امر هم، از دیگر عوامل

کم‌رنگ شدن هویت‌ها است (زهیری، ۱۳۸۴: ۴۱-۳۷).

در کشورهای در حال توسعه مانند ج.ا.ایران، توسعه ناموزون و ناهمسان یکی از دلایل پس‌رفت فرهنگی و هویتی است؛ این امر موجب معضلات اجتماعی، افسردگی‌ها، دلمردگی‌ها و گم‌گشتگی‌های هویتی در سطح جامعه می‌شود. از جمله علل اصلی این مسئله عبارت‌اند از:

❖ تمرکز برنامه‌های کلان کشور بر ابعاد سخت‌افزاری توسعه و کم‌توجهی به جهات

اجتماعی و فرهنگی آن؛

❖ تأکید بیشتر بر رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی.

بنابراین باید در برنامه هفتم توسعه کشور، این نگرش از توسعه توسط متخصصان امر، تحول

بنیادین و اساسی یابد.

۵-۱-۴. سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی

۵-۱-۴-۱. سرمایه اجتماعی به عنوان عامل تولید

سرمایه اجتماعی با نظام‌دهی و استحکام‌بخشی به مقررات هنجاری در اجتماع، به کردار فردی جهت صحیح بخشیده و راهی می‌گشاید تا نیرو و سرمایه انسانی در کنار بخش مالی و اقتصادی و با همکاری متقابل و با بهره‌گیری از تشابهات و همانندی‌های اشخاص مختلف موجب گسترش اعتماد اجتماعی در امتداد اجرای موفق برنامه‌های توسعه‌ای گردد (احقر و حقیقی، ۱۳۹۵: ۸۰).

انواع گوناگون سرمایه از جمله مالی، انسانی، فرهنگی، ذهنی و ارزشی از ثروت‌های گران‌بهای کشور می‌باشند که گونه‌ی سنتی (کارگر و...) و یا نوع مدرن آن (علم و فناوری روز) و یا به هر دو شکل می‌تواند در پیشبرد اهداف تولیدی به کار گرفته شود. بنابراین، سرمایه خصوصیتی همچون مالکیت فردی و قوانین شناخته‌شده در این باب دارد (ناصری‌راد و دانش‌مهر، ۱۳۸۷).

انباشت سرمایه در مباحث مرتبط با توسعه‌ی اقتصادی، دارای ایده‌های گوناگونی از جمله سرمایه اجتماعی، علمی، تکنولوژیکی و مادی است؛ همه‌ی آن‌ها تکمیل‌کننده و در راستای هم هستند و نبود یا کمبود هر کدام از آن‌ها در پیشرفت و برنامه‌های مربوط به آن تأثیرات منفی به بار می‌آورد.

باید به این نکته توجه داشت که نظریه‌های اقتصاد توسعه، از اوایل قرن ۲۱ به سمت علمی به نام سرمایه اجتماعی، تغییر جهت داده و شکل تازه‌ای به خود گرفته است؛ در غیاب این مقوله، ادامه توسعه اقتصادی بی‌فروغ خواهد گشت (مایر، ۲۰۰۱: ۱۶). بنابراین اگر بخواهیم سرمایه اقتصادی، در جهت گسترش و بهبود تولید صنعتی، استفاده لازم و کافی را از سرمایه و نیروی

انسانی بنماید، باید از سرمایه اجتماعی و اشکال مختلف آن بهره برد (رنانی، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۰ با تلخیص).

۲-۵-۱-۴. سرمایه اجتماعی و کاهش فقر و نابرابری (ایجاد عدالت اجتماعی)

از نکات و اثرات قابل توجه سرمایه اجتماعی، کاهش تبعیض، بی‌عدالتی و فقر و عادلانه نمودن درآمدها و هزینه‌ها در جامعه است. از دیدگاه پاتنام، ولکاک، دی‌فیلیپس و بانک جهانی، سرمایه اجتماعی از طریق گروه‌های مدنی و مردم‌نهاد می‌تواند ناترازی‌های اقتصادی و حتی فرهنگی را کاهش دهد (ساباتینی، ۲۰۰۶: ۳) بدین‌صورت پایه‌ای برای برنامه‌ریزان توسعه‌ای است.

۳-۵-۱-۴. سرمایه اجتماعی و بازار رقابتی

سرمایه اجتماعی، راه‌های متنوعی جهت ایجاد رقابت سازنده در فضای کسب‌وکار فراهم می‌کند؛ در قسمت زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) موجب نشر صحیح اخبار و جلوگیری از اختلال در اطلاعات مربوط به حوزه‌های فناورانه گردیده و هنجارها و تعاملات اجتماعی، اطلاعات مربوط به ترجیحات افراد و ویژگی‌های بازار تقاضا را هم در دسترس قرار می‌دهد؛

ب) ارزش‌های مشترک، به گروه‌های تولیدی می‌قبولاند که نسبت به یکدیگر مسئولیت‌پذیر بوده و در حرفه خودشان متعهد باشند؛

ج) بخش تولیدی غیردولتی به درجه‌ی بالای اعتماد عمومی نیاز دارد؛ بنابراین در جامعه‌ی ما می‌بایست این مسئله مدنظر دولت و مسئولان اقتصادی واقع شود.

۴-۵-۱-۴. سرمایه اجتماعی، سازمان‌های اقتصادی و ارتقا فناوری

ایجاد نهادها و مؤسسات اقتصادی کلان، در گرو وجود سرمایه اجتماعی است. فوکویاما معتقد است؛ کشورهای درحال توسعه اگر بتوانند ارتباط درستی بین بخش تولیدی دولتی و خصوصی همانند چند کشور توسعه‌یافته شرق آسیا همچون کره جنوبی، ژاپن و چین (که در آن‌ها همیاری و کار جمعی به نحو شایسته‌ای وجود دارد) برقرار سازند که البته این مسئله هم به سرمایه اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند، می‌توانند سیاست کارآمدتری در اهداف اقتصادی‌شان در پیش گیرند (فوکویاما، ۲۰۰۲).

۵-۱-۴-۵. سرمایه‌ی اجتماعی و مهارت‌افزایی در بخش تولید

افزایش مهارت‌ها، دانش و توانایی اشخاص، به افزایش بهره‌وری نیروی کار منجر می‌گردد (پاتنام و هلیول، ۲۰۰۷: ۲). هرگونه سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی مهارت‌افزایی، می‌تواند هر دو بُعد ذهنی و ساختاری سرمایه اجتماعی را در جامعه به وجود آورد و قابلیت نیروی انسانی را ارتقا بخشد؛ لذا نیروی کار، آسان‌تر و سریع‌تر می‌تواند از تجهیزات و فناوری پیشرفته در تولید استفاده کند و عامل سرمایه نیز کارتر و مولدتر می‌گردد؛ این امر موجب افزایش بهره‌وری عوامل تولید می‌شود. به‌طور کلی، افزایش قدرت خلاقیت، سازندگی، اصلاح و توسعه‌ی مهارت و ظرفیت‌های تولیدی نیروی انسانی، به رشد و پیشرفت اقتصادی کمک می‌نماید (احمدی شادمهری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴).

با توجه به مباحث مطرح‌شده می‌توان گفت؛ سرمایه اجتماعی نقش مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی کشور ایفا می‌کند. از این‌رو، نیل به توسعه‌ی اقتصادی، افزایش نوآوری، ارتقای فناوری و ایجاد اشتغال پایدار در کنار انباشت سرمایه‌های انسانی، در گرو نگاه جدی برنامه‌ریزان به سرمایه اجتماعی است.

۲-۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به مباحث مطروحه و نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر می‌توان اذعان نمود که:

- ❖ بین سرمایه اجتماعی و اعتماد ملی، رابطه‌ای کامل برقرار است؛
- ❖ بین سرمایه اجتماعی و ایجاد امنیت در کشور، ارتباط وجود دارد؛
- ❖ در حفظ و ارتقا سرمایه اجتماعی، مؤلفه‌های اساسی همچون خانواده، آموزش و مشارکت تأثیرگذارند و انسجام ملی را در جهت توسعه در پی دارند؛
- ❖ سرمایه اجتماعی در راستای پیشرفت همه‌جانبه (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) نقش کاربردی و اثرگذاری دارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱-۵. نتیجه‌گیری

تحولات بین‌المللی، عرصه‌ی سیاست‌گذاری و مدیریت در مقوله‌ی پیشرفت و توسعه را دچار تغییرات جدی نموده است. همگام با این شرایط، یکی از رویکردهای مهمی که در مهر و موم‌های اخیر در برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه‌ای مطرح می‌گردد، مبحث سرمایه اجتماعی و قلمروهای گوناگون آن در علوم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد، هرچند هنوز هم توجه کافی

و وافی به این امر صورت نپذیرفته است.

هیچ کشوری نتوانسته بدون سرمایه‌گذاری اساسی و کارآمد در همگرایی و مشارکت اجتماعی به توسعه همه‌جانبه دست یابد. بایستی اذعان نمود که سرمایه اجتماعی، مفهومی فراگیر و نگرشی نو می‌باشد که به بررسی ارزش‌های اجتماعی و به‌ویژه ارتباط شبکه‌ای در جهت دستیابی به اهداف مشترک در یک جامعه می‌پردازد.

شناخت سرمایه اجتماعی در بخش‌های گوناگون و نحوه بهره‌برداری از آن‌ها، وظیفه‌ای است که باید مسئولان و مدیران کشورمان به آن توجه نموده و سعی در حفظ و گسترش آن داشته باشند چرا که سرمایه اجتماعی زیربنای توسعه در ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. اگر روابط اجتماعی که فرهنگ، آداب‌ورسوم، سنن نیکو، هنجارها، نهادها و شبکه‌های اجتماعی در چگونگی تشکیل آن نقش دارند، در جامعه ما در جهت مثبت و صحیح، رشد و تکامل یابد، می‌تواند در تعاملات و روابط اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های مبادلاتی و تأثیر بر سایر انواع سرمایه شود و در نهایت، گام محکمی در جهت پیشرفت کشورمان باشد. بنابراین مهم‌ترین پشتوانه برای رسیدن به توسعه همه‌جانبه و پایدار، تحکیم سرمایه اجتماعی است که زمینه‌ی رشد و ارتقاء دیگر سرمایه‌های جامعه را موجب می‌شود.

۲-۵. پیشنهادات پژوهشی و راهبردی

با توجه به اهمیت موضوع سرمایه اجتماعی در پیشرفت و توسعه و با عنایت به مطالب ارائه‌شده می‌توان گفت برای ارتقاء سرمایه اجتماعی در جامعه‌ی امروز ایران، بایستی موارد ذیل مدنظر مسئولین امر قرار گیرد:

- (۱) تلاش در جهت تحکیم بنیان خانواده به‌عنوان رکن اصلی سرمایه اجتماعی؛
- (۲) توجه ویژه به اهمیت آموزش در خلق سرمایه اجتماعی و ایجاد مهارت‌های ارتباطی در بین شهروندان و در همه‌ی سطوح مختلف جامعه و نیز لزوم انجام سرمایه‌گذاری در این حوزه به‌گونه‌ای که ارزش‌ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت اجتماعی را در جامعه رواج داده و البته بیشترین تمرکز این سرمایه‌گذاری‌ها باید بر روی دوره‌های پایه باشد؛ چرا که این دوره، بالاترین اثرپذیری را داراست؛
- (۳) ارتقاء رفاه اقتصادی، تأمین اجتماعی و معیشت برای آحاد ملت؛
- (۴) ایجاد شفافیت و اطلاع‌رسانی به‌موقع، مبارزه نهادینه و مستمر با فساد، رفع تعارض منافع و دوری از اقدامات غیر سازنده با اغراض سیاسی و جناحی؛

(۵) واگذاری بخشی از مسئولیت‌های دولت به نهادهای مدنی و زمینه‌سازی برای مشارکت فعال مردم؛

(۶) برنامه‌ریزی در جهت گسترش اعتماد و ایجاد ارتباط بین اقوام در کشور که این خود می‌تواند موجبات همدلی، همبستگی و امنیت را فراهم سازد؛

(۷) گفتمان‌سازی برای ترویج و تثبیت ارزش‌های اخلاقی و هنجاری در جامعه و سازمان‌های دولتی متناسب با تغییر و تحولات اجتماعی.

در خاتمه بایستی اظهار نمود باورهای جامعه و اعتماد عمومی به‌عنوان یک سرمایه عظیم اجتماعی در مورد عملکرد دولت‌ها، مدیران سطوح خرد، میانی و کلان در سطح مطلوبی نمی‌باشد بنابراین در جهت اصلاح سازمان‌ها، نهادها و ...، می‌بایست حرکت جدی صورت پذیرد؛ به‌گونه‌ای که مردم این تشکیلات را نه سیستم‌هایی منفعت‌جو بلکه آن‌ها را در راستای خدمت‌رسانی به جامعه بدانند. توجه کافی در برنامه‌ی هفتم توسعه به اصلاح سیستم‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جهت پیشرفت متوازن استان‌ها و جلوگیری از «بی‌اعتمادی»، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و این امر به عهده‌ی نهادهای حاکمیتی و همه‌ی دستگاه‌های اجرایی می‌باشد که در نهایت، این مسئله می‌تواند در جهت پیشرفت و توسعه ایران عزیزمان بسیار مؤثر و کارساز باشد.

منابع

الف- فارسی

- آگاه، یسرا (۱۳۸۷). «امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر در آن در قرآن و حدیث»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه رضوی*، ۸ (۱۱)، ۱۴۵-۱۶۸.
- احقر، سیده مهسا و ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۳۹۶). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر وضعیت اقتصادی مراکز شهرها»، *فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار*، ۶ (۲۰)، ۱۰۵-۹۴.
- احمدی شادمهری، محمدطاهر؛ ناجی میدانی، علی‌اکبر؛ و جندقی میبدی، فرشته (۱۳۸۹). «تعامل بین سرمایه انسانی و بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران»، *فصلنامه علمی - پژوهشی رشد و توسعه اقتصادی*، ۱ (۱)، ۳۱-۵۸.
- ارسیا، بابک؛ ساعی، احمد (۱۳۹۸). «تأثیر سرمایه اجتماعی دولت بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، ۱۵ (۱)، ۱-۲۸.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کیهان.
- الهامی، امیرحسین؛ ریاضی، وحید (۱۳۹۹). «دولت و سیاست‌گذاری اجتماعی توسعه‌ی اقتصادی در ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۰ (۴۱)، ۸۵-۱۲۰.
- تقی‌لو، فرامرز (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۹ (۳۲)، ۲۳۹-۲۵۸.
- جهانبین، فرزاد (۱۳۸۳). «امیرالمؤمنین (ع) و رویکرد به حکومت»، *روزنامه رسالت*، ۱۸ مهر.
- حسونندیان، علی (۱۴۰۲). «تبیین مفهومی حقوق خانواده و تحکیم آن از منظر قرآن و حقوق مدنی»، *اولین همایش ملی حقوق خصوصی نوین*، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خمینی شهر.
- خاکساری، علی (۱۳۸۰). «فرآیند مشارکت و سطوح آن»، *مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه مشارکت زنان*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دانش‌مهر، حسین؛ نصری‌راد، محسن (۱۳۸۷). *سرمایه اجتماعی پلی بین اقتصاد و جامعه‌شناسی*. تهران: روزنامه سرمایه.

- دلفروز، محمدتقی (۱۳۸۰). *سنت‌های مدنی و دموکراسی*، تهران: وزارت کشور.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۷). «پارادوکس سرمایه اجتماعی تحصیل‌کردگان ایرانی»، *فصلنامه آموزشی مهندسی ایران*، ۱۰ (۴۰)، ۵۱-۲۵.
- رنانی، محسن و مؤیدی‌فر، رزیتا (۱۳۹۶). *چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد*. تهران: طرح نقد.
- ستاری‌فر، محمد (۱۳۷۴). *درآمدی بر سرمایه و توسعه*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲). *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- سلمان‌نای، حسین (۱۳۹۴). *بررسی میزان پوشش مفاهیم توسعه سیاسی*. دانشکده علوم ارتباطات و مطالعه رسانه، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- سن، آماریتا (۱۳۸۳). *توسعه یعنی آزادی*. ترجمه محمد سعید نوری نائینی، تهران: نی.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰). «هویت سیاسی-فرهنگی شهروندان و ملت‌ها در عصر جهانی‌شدن»، *مجله مطالعات ملی*، ۲ (۴)، ۲۹۳-۳۰۴.
- ظهیری، علیرضا (۱۳۸۴). «چیستی هویت ملی»، *مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم*، ۸ (۲۹)، ۶۹-۳۰.
- عبداللهی، محمد؛ موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۶ (۲۵)، ۱۹۵-۲۳۳.
- عربی، مجتبی (۱۳۹۷). *طراحی مفهومی اداره حکومت*. تهران: سازمان اداری استخدامی کشور.
- عطاری، سعید (۱۳۹۴). «تمایز بخشی حوزه‌های تحلیلی توسعه»، *فصلنامه سیاست*، ۱۲ (۳)، ۵۲۷-۵۴۶.
- غفاری‌هشجین، زاهد؛ بیگی‌نیا، عبدالرضا؛ تصمیم قطعی، اکرم (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، *دوفصلنامه پژوهشی دانش سیاسی*، ۶ (۲): ۲۰۷-۲۴۰.

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: حکایت قلم نوین.
- قاسمی، وحید؛ کاظمی، مهری. (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی بر نقش خانواده در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۵ (۱۱)، ۱۸۹-۲۱۸.
- قدسی، امیر (۱۳۹۰). «مهندسی فرهنگ و نقش سرمایه اجتماعی در اقتصاد نوین»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، ۵ (۵۲ و ۵۱)، ۲۹-۴۳.
- کرافت، استوارت؛ مورگان، پاتریک؛ جیمز، لوسی؛ تریف، تری (۱۳۸۴). *مطالعات امنیتی نوین*. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۶). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- مایر، جرالد (۲۰۰۱). *نسل قدیم اقتصاددانان و نسل جدید*. ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی.
- مبشری، محمد (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی»، *پژوهشنامه سرمایه اجتماعی*، ۱ (۴۰)، ۱۳۵-۱۵۶.
- محرابی، علیرضا (۱۳۸۷). *بررسی و تبیین مؤلفه‌های انسجام ملی*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی»، *مجله اطلاعات سیاسی و اجتماعی*، ۱۰ (۱۶۸)، ۱۵۲-۱۶۵.
- معدن‌دار آرانی، عباس و آرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). *آموزش و توسعه: مباحث نوینی در اقتصاد آموزشی*. تهران: نشر نی.
- نراقی، یوسف (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی و توسعه*. تهران: فروزان روز.
- نیازی، محسن؛ فرشادفر، یاسمن (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران»، *فصلنامه علمی تخصصی مطالعات شهری*، ۱ (۱)، ۱۴۷-۱۷۸.
- واثقی، قاسم (۱۳۸۱). *تدابیر و سیره عملی امام علی در تأمین اجتماعی*. تهران: مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا.

- وثوقی نیری، عبدالله؛ خزایی، سعید (۱۴۰۰). «تأثیر هم‌تاپوروری بر بهره‌وری سرمایه‌های انسانی در یک نیروی نظامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۱ (۴۵)، ۱۴۹-۱۸۰.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم.

ب- انگلیسی

- Ajaz, T. & Ahmad, E. (2010). “The effect of corruption and overnance on tax”, *The pakistan development revivew*, 49 (4), part 11, PP. 405-427.
- Burt, Rs .(2000). “The network structure of social capital”, *Institute european affaires*, PP.345-423, At: https://www.researchgate.net/publication/2587095_The_Network_Structure_of_Social_Capital.
- Chou, Y .(2002). “modelling social capital and growth. university of Melbourne”, *reserchpaper number* 865, PP.345-423.
- Fukuyama, F.(1997). *economic globalization and culture the merrillynch forum*, At: <http://pratclif.com/fukuyama/fukuyama.htm>
- Fukuyama, Francis (2002). *sosial capital and developments*. The coming agenda, Sais review.
- Helliwell, J. & Putnam, R. (2007). “education and social capital”. *Eastern economic journal*, 33 (1), PP.1-19.
- Lin, N. (2000). “Social resources and social action”, *N. Y: cambrindge university press*, 21 (6), PP.901-913.
- Nic, N. & Verba, Sidney (1972). *sidney, participation in american: equality and political democracy*. Newyork:Harper and Row.
- Putnam, R.D. (2000). *Bowling alone. The collapse and revival of American community*. Newyork: Simon and Suhuster.
- Putnam, R.(2001).Social capital: Measurement and consequences. *Isuma-canadian journal of policy research*,Vol .2 (sprng).pp. 41-51.
- Sabatini, F. (2006). *The empirics of social capital and economic development*. acritical perspetive nota dil avoro.
- Sabatini, F. (2008). “social capital and the labour market”, *mpa paper*, No 582, At: <https://ideas.repec.org/e/pmu84.html>.
- Wallis, J. & Paul, K .(2004). “social economics and social capital. department of economics,” *university of otang, Yokohamo*, Japan, No.3, PP.239-258.
- World Ban .(2009). “*what is social capital ?*”, Available at: <http:// go. World bank. org/ K4LUMW43Bo>.